



چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲

شماره ۴۰۹۰

WWW.FDN.IR

FARHAKHTEGANDAILY

در یکی از قسمت‌های مجله تصویری «قاف» که در ایام جشنواره چهاردهم فیلم فجر در فضای مجازی منتشر شد، اثر نوبی میزان داود امیریان و امید مهدی‌نژاد از طنزپردازان و نویسندگان طنز بود. در این قسمت از مجله تصویری قاف از انواع طنز، وضعیت فعلی سینمای کمدی، سبیری که در این سال‌ها طی کرده و مسیری که باید طی کند، سخن گفته شد. در ادامه متن کامل این گفت‌وگوی تفصیلی را می‌خوانید.

■ ■ ■

در دفتر از مجله قاف همراه با دو تن از نویسندگان کشورمان در حوزه طنز و سینمای کمدی می‌رویم. در ارتباط با سینمای کمدی صحبت کنیم، جناب آقای امید مهدی‌نژاد و آقای داود امیریان. کسانی که اهل کتاب خواندن هستند، متفا در دو عزیز را می‌شناسد. آقای داود امیریان در حوزه کتاب خیلی فعال هستند و کتاب‌هایشان هم بسیارگاز زیادی دارند. سه، چهار کتاب ایشان است بخوانم. یک سرلخم به پراساس «جام جهانی در جوارده» نوشته‌اند که قبل از انقلاب پیش آمد و آندفدر آسان‌گیری کردند که ماهنامه بسیار خوبی مهدی‌نژاد عزیز شعر خوبی هستند و شعرهای جلدی و طنزهای خیلی قابل توجه و قابل است. کار طنزهایی هم کردند و می‌کنند. الان چند سالی است که البته سرلخم ساخته نشده. امیدواریم قدمدانش فراهم شود. آقای امید

مهدی‌نژاد عزیز شعر خوبی هستند و شعرهای جلدی و طنزهای خیلی قابل توجه و قابل است. کار طنزهایی هم کردند و می‌کنند. الان چند سالی است که ماهنامه بسیار خوب به پراساس «جام جهانی در جوارده» نوشته‌اند که قبل از انقلاب پیش آمد و آندفدر آسان‌گیری کردند که ماهنامه بسیار خوبی در حوزه طنز است. «خودشان مجموعه‌ای از افراد دارای ذوق در این ماهنامه همکاری می‌کنند. از اثرمه احمد جوتو رفاقی دیگر به اعتبار پیشگوتربودن در نوشتن و سن از آن‌ا قارود شروع کنیم.

سینمای کمدی این سال‌ها را چگونه می‌بینید؟ اساسا این آثار به نظر شما به عنوان یک طنز نویس و کمدی نویس که سال‌هااست دارید در این حوزه می‌نویسید، قابل ارزیابی هستند؟

داود امیریان: در حالت خوشبینانه باید بگویم الان سینمای دار روی کاکل سینمای کمدی می‌چرخد. بعد از دوران کورتا همین سینمای کمدی بوده که محور سینمای کمدی و سینماداران و طنزپردازان شده است. فیلم‌های پرفروشی‌اش آمده که هنوز هم ادامه دارد و البته هنوز هم به رکورده عقاب‌ها، نرسیده اما از نظر طنز نویسی و واقعاً آثار بسیار ضعیفی هستند. بعضی از آنها را شاید حتی به زور بتوان با خانواده دید. من نمی‌خواهم حدای ناگرده دستم بگیرم با توهمین باشد اما خنده‌ها از آنها را دور تند هم نگذاشت، حیف وقت است. من حتی کسانی را می‌بینم که رشته‌شان سینما نیست اما می‌رسند این فیلم واقعاً جطور اجازه بخش گرفته که از نظر محتوا، حتی از نظر اینکه کمدی نیستند اما اسم کمدی را دارند می‌کنند. به نظر می‌رسد که البته مسریال‌ها به توهمین باشد اما خنده‌ها از آنها را دور تند هم نگذاشت، حیف وقت است و دروین را روشن کرده‌اند و سه، چهار بازیگر را آورده‌اند و گفته‌اند این عاقل دروغ ساخته شده، کجا می‌تواند درست و کجا غلط باشد. ما باید که خود هدیدگر را رازدن می‌کنند. بعضاً هم داره شوخی‌ها این جسی متداول می‌شود. من سینمای خوبی نمی‌بینم.

امید مهدی‌نژاد: آقای امیریان بین رشته‌ای این هستند و دوستی در سینما هم دارند. کلا دیات داستانی یا سینمای کارگردان نزدیک است اما چون خاستگاه من بیشتر شعر و اینهاست، شاید به یک معنا خیلی صاحتی اظهار نظر نداشته باشم. من فکر می‌کنم بیشتر از جنبه ادبی و متن نگاه کنم. طنز یک معنای کام و یک معنای خاص دارد. معنای خاص اینست که دروغ است و دروغ را می‌گوید. من با این نگاه که کلا کمدی‌های فان که به کفاه نزدیک هستند را کلا بی ارزش بدانم، موافق نیستم. فکر می‌کنم درواقع یک بکیچ است که شامل طنزهای جدی، طنزهای انتقادی و طنزهای سبک و صریحا برای خنده می‌شود. اینکه معیار تقیچ نیست، این را باید منتقد واروش شود. اینکه یک کمدی کمر صریحا برای تفریح ساخته شده، کجا می‌تواند درست و کجا غلط باشد. ما باید که خود کارکرد فرهنگی منفی یا مثبت داشته باشد، ولی اینکه سبیر به این سمت رفته که کمدی متفکر و کهرانه که به حالت طنز به معنای خاصش است، به وخایسته و نه صریحا انکار وقت‌گذراندن و خندیدن است. من با این نگاه می‌کنم و الان این طنزهای سطحی و فان تمام سبد کمدی را پر کرده‌اند.

روند توئیتی را می‌بینم.

به نظر شما چیراسینمای کمدی به این نقطه رسید؟ چه اتفاقی افتاد؟ پیش از انقلاب کاراکتر داریم اما پس از انقلاب سینمای کمدی ما یک سبیر دارد و نمونه‌های شاخصی هم داریم. هم در سینمای طنز و هم کمدی. از کارهای



آسیب‌شناسی سینمای طنز در گفت‌وگوی داوود امیریان و امید مهدی‌نژاد با مجله تصویری «قاف»

سینما روی کاکل سینمای کمدی می‌چرخد

آقای داود یگوبید «چپ‌برها به بهشت نمی‌روند»، کارهای مرحوم بدالله صمدی از آثار متعدد دیگر به اینجا رسیدیم. اینجا نسبتی با جامعه دارند یا متفک از جامعه اینها تولید می‌شوند؟

داود امیریان: به نظر کم آسان‌گیری است که به تیه تیه‌کننده و عوامل سینمای ما را گرفته، یعنی گفته می‌کنند می‌بینند ملت دارند یا اینها می‌خندند، پس همین‌طور پیش رویم. آقای مهدی‌نژاد من هم قبول دارم که سینمای فان باید باشد اما شما اگر آمریکا یا اروپا را در نظر بگیرید، همان سینمای فان‌شان هم که متفک و داستنان و بازی‌ای دارد و این‌طور بلخی نیست که همه چیز را به هم بریزند. فیلم‌های فان ما مانند «خوب، بد، جلف»، «مال آقای قاسم‌خانی که بسیار فیلم فانی است اما فیلم خوبی هم است، بازی‌ها، کارگردانی و فیلمنامه درست هستند. اما اندازه‌دار که اهل تفکر است. متطقی به هم نریزدند اما فیلم «جحالت‌نکش» این‌رضامقصودی که درست است به موضوع فرزندآوری می‌پردازد.

کمدی هم طنز هم در دروش دارد.

داود امیریان: بله. طنز خوب و شریفی است. حالا مارمولک، «لیلی با من است» و «اجازه نشین‌ها» یک کم مارچش رق می‌کنند. متأسفانه آن اتفاقی که قبل از انقلاب پیش آمد و آندفدر آسان‌گیری کردند که ماهنامه بسیار خوبی مهدی‌نژاد عزیز شعر خوبی هستند و شعرهای جلدی و طنزهای خیلی قابل توجه و قابل است. کار طنزهایی هم کردند و می‌کنند. الان چند سالی است که البته سرلخم ساخته نشده. امیدواریم قدمدانش فراهم شود. آقای امید

مهدی‌نژاد عزیز شعر خوبی هستند و شعرهای جلدی و طنزهای خیلی قابل توجه و قابل است. کار طنزهایی هم کردند و می‌کنند. الان چند سالی است که ماهنامه بسیار خوب به پراساس «جام جهانی در جوارده» نوشته‌اند که قبل از انقلاب پیش آمد و آندفدر آسان‌گیری کردند که ماهنامه بسیار خوبی در حوزه طنز است. «خودشان مجموعه‌ای از افراد دارای ذوق در این ماهنامه همکاری می‌کنند. از اثرمه احمد جوتو رفاقی دیگر به اعتبار پیشگوتربودن در نوشتن و سن از آن‌ا قارود شروع کنیم.

سینمای کمدی این سال‌ها را چگونه می‌بینید؟ اساسا این آثار به نظر شما به عنوان یک طنز نویس و کمدی نویس که سال‌هااست دارید در این حوزه می‌نویسید، قابل ارزیابی هستند؟

داود امیریان: در حالت خوشبینانه باید بگویم الان سینمای دار روی کاکل سینمای کمدی می‌چرخد. بعد از دوران کورتا همین سینمای کمدی بوده که محور سینمای کمدی و سینماداران و طنزپردازان شده است. فیلم‌های پرفروشی‌اش آمده که هنوز هم ادامه دارد و البته هنوز هم به رکورده عقاب‌ها، نرسیده اما از نظر طنز نویسی و واقعاً آثار بسیار ضعیفی هستند. بعضی از آنها را شاید حتی به زور بتوان با خانواده دید. من نمی‌خواهم حدای ناگرده دستم بگیرم با توهمین باشد اما خنده‌ها از آنها را دور تند هم نگذاشت، حیف وقت است. من حتی کسانی را می‌بینم که رشته‌شان سینما نیست اما می‌رسند این فیلم واقعاً جطور اجازه بخش گرفته که از نظر محتوا، حتی از نظر اینکه کمدی نیستند اما اسم کمدی را دارند می‌کنند. به نظر می‌رسد که البته مسریال‌ها به توهمین باشد اما خنده‌ها از آنها را دور تند هم نگذاشت، حیف وقت است و دروین را روشن کرده‌اند و سه، چهار بازیگر را آورده‌اند و گفته‌اند این عاقل دروغ ساخته شده، کجا می‌تواند درست و کجا غلط باشد. ما باید که خود هدیدگر را رازدن می‌کنند. بعضاً هم داره شوخی‌ها این جسی متداول می‌شود. من سینمای خوبی نمی‌بینم.

امید مهدی‌نژاد: آقای امیریان بین رشته‌ای این هستند و دوستی در سینما هم دارند. کلا دیات داستانی یا سینمای کارگردان نزدیک است اما چون خاستگاه من بیشتر شعر و اینهاست، شاید به یک معنا خیلی صاحتی اظهار نظر نداشته باشم. من فکر می‌کنم بیشتر از جنبه ادبی و متن نگاه کنم. طنز یک معنای کام و یک معنای خاص دارد. معنای خاص اینست که دروغ است و دروغ را می‌گوید. من با این نگاه که کلا کمدی‌های فان که به کفاه نزدیک هستند را کلا بی ارزش بدانم، موافق نیستم. فکر می‌کنم درواقع یک بکیچ است که شامل طنزهای جدی، طنزهای انتقادی و طنزهای سبک و صریحا برای خنده می‌شود. اینکه معیار تقیچ نیست، این را باید منتقد واروش شود. اینکه یک کمدی کمر صریحا برای تفریح ساخته شده، کجا می‌تواند درست و کجا غلط باشد. ما باید که خود کارکرد فرهنگی منفی یا مثبت داشته باشد، ولی اینکه سبیر به این سمت رفته که کمدی متفکر و کهرانه که به حالت طنز به معنای خاصش است، به وخایسته و نه صریحا انکار وقت‌گذراندن و خندیدن است. من با این نگاه می‌کنم و الان این طنزهای سطحی و فان تمام سبد کمدی را پر کرده‌اند.

روند توئیتی را می‌بینم.

به نظر شما چیراسینمای کمدی به این نقطه رسید؟ چه اتفاقی افتاد؟ پیش از انقلاب کاراکتر داریم اما پس از انقلاب سینمای کمدی ما یک سبیر دارد و نمونه‌های شاخصی هم داریم. هم در سینمای طنز و هم کمدی. از کارهای

باشد. مثال دیگری برمی‌آید. بیتی است که مکالمه دو شاعر با هم است، جایی از شعر این، یکی به دیگری می‌گوید: «گفت من هم برودم از شاعران اعتراض» واقع‌واقی کرده‌ام از داخل قافله‌ای /اینگ اما شعر می‌گویم به سبک مژدزی/وصف دلبر می‌کنم از منظر دل‌داده‌ای /اینها گفته‌اند کلمه اعتراض باید حذف شود. گفتم این یک جریان شعری است و من خودم از شاعران اعتراض بودم. مردم به خودم نقد می‌کنم. گفتند باید حذف شود. گفتیم آیا شما حافظ منابع صنف شاعران هستید، اگر من به یک قصای در شعری نوبین کنم مساله چیست؟ مساله این است که به شاعران بپروخرد؟ من می‌خواهم به شاعران اعتراض بپروخرد. بعد هم خودم مخاطب همین شعرها هستم، یعنی مساله این است که به آن فرد توهمین نشود. اتفاقاً نظری دارم. شاعر بوده و می‌گفته به ما توهمین نشود. مساله‌اش صنفی نیست، بیشتر از اینکه مساله خشکه مقدسی باشد، همین مسائل صنفی است.

داوود امیریان: کاهی همین مسیری‌ها باعث ایجاد موقعیت طنز می‌شوند، مثلاً شخصیت منفی نه حق دارد سبگار بکشد، نه مواد مصرف کند و نه شارب بخورد، فقط باید خنده‌های ایلهانه بکند و فقهه بخندند و دستورات محروم بدهد. در سریال‌های تاریخی وقتی خاندان شاه را نشان می‌دهند، حجاب‌شان از خیلی‌ا از آدم‌های خیابان بهتر است. مثلاً شارب پهلوی کارلا محببه است، این باعث می‌شود مضحکه شود یا مثلاً گزواره را روی سر می‌گذارند. کدام عاقلی را می‌پسیند که این کار را بکند؟ خودشان هم واقعاً بعضی وقت‌ها نمی‌دانند از این مسیری‌هایی که انجام می‌دهند چه خاکی بر سرشان کنند. یکسری چیزها البته کاهی از دست‌شان در می‌رود یا شاید هم آشنا دارند. در ادبیات ما هم هست. در همین داستان‌ها هم هست. در ادبیات نوجوان داستان‌های هشتاد و یک ساله بسیار زیاد مجوز نمی‌گیرند. نمی‌گویند اینها را و جرات جرئت دارند اما خیلی راحت مجوز می‌دهند. کافی است مساله راجع به عشق باشد، آن وقت روم می‌کنند رویش و اجازه نمی‌دهند.

جدی می‌گویید؟
امیریان: بله. کاتلا. شما همین الان به انتشارات افق یا به قدیانی رنگ بزن و پرسیم و ببینیم چه نوع دلی می‌خورند، مثل اینکه می‌گویند چاقو کشی یا اینکه چه مامان خوبی داری و یک جوری سرت رو نه قصه را به هم می‌آورند. صحنه‌های اروتیک‌ها، صحنه‌ها با کاملاً فیه سینمای ما دیگر دوست داشتن که حرام نیست، دل باخترن که حرام نیست، مگر بچه‌های جنگ ما عاشق نمی‌دانند؟

مهدی‌نژاد: الان که نگاه می‌کنم می‌بینم این مساله مسیری در سینمای سالی‌های اسامی تر است. ما در ادبیات با طرافت‌هایی ممکن است بتوانیم دروین، مثلاً من مجموعه‌ای داشتم که معرفی یکسری کتاب فرضی بود. درواقع نقد فضای کتاب در قالب معرفی کتاب بود. مثلاً کتاب معرفی کرد که شاعرش اسمش نسنن هارست بود. گفتند این اسم باید عوض شود. من گذاشتم رویا پاره‌خواب. می‌گویم کپورم که منظور را رساندم. حالا از رویا به اسم فرضی می‌گذاریم. اینکه می‌خواهید یک آدم بد را نشان دهید اما این آدم هیچ فکر نمی‌دارد. از کجا بفهمیم این آدم بد است؟؟ در نمایش از یک بازیگر گرفتار و چیزهای ناگه‌شان دهم این آدم بد است. به‌هرحال این یک تائضی است. ضمن اینکه میوه‌های تلوزیون کم چیز است، در سینما یا پانفرم‌ها چیز دیگر، اگر مساله عفت عمومی است، ملاک در همه‌جا باید یک چیز اسامی باشد. پانفرم‌ها باید پوشش، رفتارها، سبگار کشیدن و می‌سوزد یا از قصد نشان دادن این کار را می‌کنند. دارند قافعه می‌فرینند و این دارد اتفاق می‌افتد.

شما هم با دلیلی که داوود پرشرد، موافق هستید؟

امید مهدی‌نژاد: بله. مسیری هم قطعاً یکی از دلایل است. اصولاً جایی که من در این ۲۰ سال‌ها بوده‌ هست، همیشه این مساله را داشتیم و درواقع این‌ها گفت بد شده. یکم‌خور سینوسی را طی می‌کنند که گاهی با تتر می‌توانیم بهتر می‌شود. من خودم حدود بیست و دو ماه پیش مجموعه شعر منتشر کردم که البته قرار بود ارسال منتشر شود و به نمایشگاه برسد و کتاب هرکدام ۲۰۰ چندموزم باشد. این نوع طنز طنزها در واقع ساخته می‌شود. از آن‌ا نظر به شرایط اجتماعی هم پسنگی دارد. در دهه ۶۰ اصولاً یک فضای جدی حکم بود که طنزها هم جدی بودند. انکار فیلساز فکر می‌کرد اگر می‌خواهد طنز هم بسازد، باید در آن حرف و پیام و نقدی باشد. حتی می‌شود گفت این فضای الان بتدریج اعلام شکستگی از جدیت است که ادامه دارد. همه اینها قابل بررسی هستند. بررسی مودی آن در سینمای ایران شاید باز کار من نباشد.

ما تلاد در سینما فیلم‌های مثل «مرد عوزی» و «مویابی» ها را داریم.

داود امیریان: «بلی» آدمی هم هست.

بله، در کارهای تلوزیون هم به همین ترتیب است. کار «کاتسوس» و «کاتسوس ۲» و «بایه باید پیاورد» مثلاً آن «کاتسوس ۳» را اسم نمی‌روم. چون من اشتباهی برای آن داشتم.

داود امیریان: کاتسوس ۳ به نظر واقعاً طنز نایی بود.

مهرمن داسی: که به اصطلاح فراهم می‌کرد. حتی یک دوبای کارهای اولیه مهرمن داسی را به یاد دارم. به نظر من اینها در واقع یک طنز نویس سینما که تلوزیون هم بین همین‌طور دارای روند توئیتی شده است. اما وقتی شما یک تجربه می‌کنید یک‌یک مسیر آمده مثلاً یا در سیر مستقیم بروید یا فیثباتن ملاز باشد یا سمت بالا باشد. نه اینکه بگروید. چه رخ داده که اتفاقی می‌افتد. مثلاً شما ممکن است در داسیج من بگروید در کتاب‌ها و روان‌های کمدی هم همین وضع داریم. چون است چنین استادی یکد، ممکن است کارهای تخصص‌ش در جاهای دیگر هم خودشان را نشان می‌دهند؟ یا فقط در سینما ضحک‌تون را نشان می‌دهد؟

داود امیریان: تعریف طنز چه می‌تواند باشد؟ عدم تناسب در متناسبات. ما یک زمان سبید را کانی دار داریم که نقد زاهدان را می‌کنند که حتی می‌آیند اما سینما یا یک برگ کاغذ شروع می‌کنند و فیلمنامه شخصی می‌دانند. گفتند این داستان است. تازه داستانی که تا آن هم مشخص نیست، برویم جلو، ان‌شاء الله از آن چیز خوبی درمی‌آید.

موقعیت دراماتیکش هم معلوم نیست.

داود امیریان: بله. این چند بازیگر خوب هستند که اینها دچار خراب می‌شوند، یعنی برای اینها هم حتی ایده خوبی نیست.

یک زمانی این نوع از فیلم‌ها و سینما در کشور با شناسنامه محدود تاریخی به وجود می‌آید، اما خیلی دروش نمی‌آید اما این آثار با شناسنامه تاریخی و پیشینه فرهنگی ما خیلی از تولید می‌شوند و متأسفانه کسانی که ما داریم چه کسانی هستند، خیلی از این آثار خوشحال هستند. اینها چه نسبتی دارند؟ بالاخره سینما وسوه مختلفی دارد و یک وجهش خراس است. چه نسبتی میان این تاریخ فرهنگی و چنین آثار هست؟ شما در حوزه سینمای کمدی جواب دهید اما می‌خواهم بگویم در بخش‌های دیگر آثارمان هم چند سالی است روند توئیتی را می‌بینم.

به نظر شما چیراسینمای کمدی به این نقطه رسید؟ چه اتفاقی افتاد؟ پیش از انقلاب کاراکتر داریم اما پس از انقلاب سینمای کمدی ما یک سبیر دارد و نمونه‌های شاخصی هم داریم. هم در سینمای طنز و هم کمدی. از کارهای

باشد. مثال دیگری برمی‌آید. بیتی است که مکالمه دو شاعر با هم است، جایی از شعر این، یکی به دیگری می‌گوید: «گفت من هم برودم از شاعران اعتراض» واقع‌واقی کرده‌ام از داخل قافله‌ای /اینگ اما شعر می‌گویم به سبک مژدزی/وصف دلبر می‌کنم از منظر دل‌داده‌ای /اینها گفته‌اند کلمه اعتراض باید حذف شود. گفتم این یک جریان شعری است و من خودم از شاعران اعتراض بودم. مردم به خودم نقد می‌کنم. گفتند باید حذف شود. گفتیم آیا شما حافظ منابع صنف شاعران هستید، اگر من به یک قصای در شعری نوبین کنم مساله چیست؟ مساله این است که به شاعران بپروخرد؟ من می‌خواهم به شاعران اعتراض بپروخرد. بعد هم خودم مخاطب همین شعرها هستم، یعنی مساله این است که به آن فرد توهمین نشود. اتفاقاً نظری دارم. شاعر بوده و می‌گفته به ما توهمین نشود. مساله‌اش صنفی نیست، بیشتر از اینکه مساله خشکه مقدسی باشد، همین مسائل صنفی است.

داوود امیریان: کاهی همین مسیری‌ها باعث ایجاد موقعیت طنز می‌شوند، مثلاً شخصیت منفی نه حق دارد سبگار بکشد، نه مواد مصرف کند و نه شارب بخورد، فقط باید خنده‌های ایلهانه بکند و فقهه بخندند و دستورات محروم بدهد. در سریال‌های تاریخی وقتی خاندان شاه را نشان می‌دهند، حجاب‌شان از خیلی‌ا از آدم‌های خیابان بهتر است. مثلاً شارب پهلوی کارلا محببه است، این باعث می‌شود مضحکه شود یا مثلاً گزواره را روی سر می‌گذارند. کدام عاقلی را می‌پسیند که این کار را بکند؟ خودشان هم واقعاً بعضی وقت‌ها نمی‌دانند از این مسیری‌هایی که انجام می‌دهند چه خاکی بر سرشان کنند. یکسری چیزها البته کاهی از دست‌شان در می‌رود یا شاید هم آشنا دارند. در ادبیات ما هم هست. در همین داستان‌ها هم هست. در ادبیات نوجوان داستان‌های هشتاد و یک ساله بسیار زیاد مجوز نمی‌گیرند. نمی‌گویند اینها را و جرات جرئت دارند اما خیلی راحت مجوز می‌دهند. کافی است مساله راجع به عشق باشد، آن وقت روم می‌کنند رویش و اجازه نمی‌دهند.

سطح سلیقه مسال ۲۰ سال پیش با الان خیلی فرق دارد و قبلاً خیلی بالا بود.
امیران: اتفاقاً به نظر من باسوادتر بود.

خوبی‌های سینما به ما این را می‌گوید.
امیران: این فاجعه است که سیرال «امام علی (ع)» را نمی‌تواند کامل پخش کنند. دیگر از این بهتر مثال بزنم. قسمت اولشان را عمارا بترنانتد پخش کنند. مختارشان را همین‌طور. یکسری حرف‌هاست. یکی از تشکل‌های دانشجویی یکی از صحبت‌های رهبر انقلاب را رپورت گرفتند. اتفاقاً در صحبت‌های ایشان اسم‌شان آن پایین بنویسد. علیه این تشکل دانشجویی اعمال جرم شده. آن قاضی فکر کرده‌اند آن تشکل هستند. اینها فرزند گفتند صحبت‌های اقاقت، رهبر انقلاب «مال ما نیست، بیست و یک نفر چقدر آتش شور است و اینها تصمیم‌گیرنده هستند. شما آن وقت رفعت قزاق دارید فیلم‌های کمدی ما سیخف نشوند؟» من صحبت‌های اقاقت را قبول دارم بود فیلم‌های فان وجود داشته باشند اما درکارشان باید فیلم‌هایی هم باشند که تفکر را زنگیز باشند.

مهدی‌نژاد: الان که نگاه می‌کنم می‌بینم این مساله مسیری در سینمای سالی‌های اسامی تر است. ما در ادبیات با طرافت‌هایی ممکن است بتوانیم دروین، مثلاً من مجموعه‌ای داشتم که معرفی یکسری کتاب فرضی بود. درواقع نقد فضای کتاب در قالب معرفی کتاب بود. مثلاً کتاب معرفی کرد که شاعرش اسمش نسنن هارست بود. گفتند این اسم باید عوض شود. من گذاشتم رویا پاره‌خواب. می‌گویم کپورم که منظور را رساندم. حالا از رویا به اسم فرضی می‌گذاریم. اینکه می‌خواهید یک آدم بد را نشان دهید اما این آدم هیچ فکر نمی‌دارد. از کجا بفهمیم این آدم بد است؟؟ در نمایش از یک بازیگر گرفتار و چیزهای ناگه‌شان دهم این آدم بد است. به‌هرحال این یک تائضی است. ضمن اینکه میوه‌های تلوزیون کم چیز است، در سینما یا پانفرم‌ها چیز دیگر، اگر مساله عفت عمومی است، ملاک در همه‌جا باید یک چیز اسامی باشد. پانفرم‌ها باید پوشش، رفتارها، سبگار کشیدن و می‌سوزد یا از قصد نشان دادن این کار را می‌کنند. دارند قافعه می‌فرینند و این دارد اتفاق می‌افتد.

شما با دلیلی که داوود پرشرد، موافق هستید؟
امید مهدی‌نژاد: بله. مسیری هم قطعاً یکی از دلایل است. اصولاً جایی که من در این ۲۰ سال‌ها بوده‌ هست، همیشه این مساله را داشتیم و درواقع این‌ها گفت بد شده. یکم‌خور سینوسی را طی می‌کنند که گاهی با تتر می‌توانیم بهتر می‌شود. من خودم حدود بیست و دو ماه پیش مجموعه شعر منتشر کردم که البته قرار بود ارسال منتشر شود و به نمایشگاه برسد و کتاب هرکدام ۲۰۰ چندموزم باشد. این نوع طنز طنزها در واقع ساخته می‌شود. از آن‌ا نظر به شرایط اجتماعی هم پسنگی دارد. در دهه ۶۰ اصولاً یک فضای جدی حکم بود که طنزها هم جدی بودند. انکار فیلساز فکر می‌کرد اگر می‌خواهد طنز هم بسازد، باید در آن حرف و پیام و نقدی باشد. حتی می‌شود گفت این فضای الان بتدریج اعلام شکستگی از جدیت است که ادامه دارد. همه اینها قابل بررسی هستند. بررسی مودی آن در سینمای ایران شاید باز کار من نباشد.

ما تلاد در سینما فیلم‌های مثل «مرد عوزی» و «مویابی» ها را داریم.
داود امیریان: «بلی» آدمی هم هست.

بله، در کارهای تلوزیون هم به همین ترتیب است. کار «کاتسوس» و «کاتسوس ۲» و «بایه باید پیاورد» مثلاً آن «کاتسوس ۳» را اسم نمی‌روم. چون من اشتباهی برای آن داشتم.
داود امیریان: کاتسوس ۳ به نظر واقعاً طنز نایی بود.

مهرمن داسی: که به اصطلاح فراهم می‌کرد. حتی یک دوبای کارهای اولیه مهرمن داسی را به یاد دارم. به نظر من اینها در واقع یک طنز نویس سینما که تلوزیون هم بین همین‌طور دارای روند توئیتی شده است. اما وقتی شما یک تجربه می‌کنید یک‌یک مسیر آمده مثلاً یا در سیر مستقیم بروید یا فیثباتن ملاز باشد یا سمت بالا باشد. نه اینکه بگروید. چه رخ داده که اتفاقی می‌افتد. مثلاً شما ممکن است در داسیج من بگروید در کتاب‌ها و روان‌های کمدی هم همین وضع داریم. چون است چنین استادی یکد، ممکن است کارهای تخصص‌ش در جاهای دیگر هم خودشان را نشان می‌دهند؟ یا فقط در سینما ضحک‌تون را نشان می‌دهد؟

داود امیریان: تعریف طنز چه می‌تواند باشد؟ عدم تناسب در متناسبات. ما یک زمان سبید را کانی دار داریم که نقد زاهدان را می‌کنند که حتی می‌آیند اما سینما یا یک برگ کاغذ شروع می‌کنند و فیلمنامه شخصی می‌دانند. گفتند این داستان است. تازه داستانی که تا آن هم مشخص نیست، برویم جلو، ان‌شاء الله از آن چیز خوبی درمی‌آید.

موقعیت دراماتیکش هم معلوم نیست.
داود امیریان: بله. این چند بازیگر خوب هستند که اینها دچار خراب می‌شوند، یعنی برای اینها هم حتی ایده خوبی نیست.

یک زمانی این نوع از فیلم‌ها و سینما در کشور با شناسنامه محدود تاریخی به وجود می‌آید، اما خیلی دروش نمی‌آید اما این آثار با شناسنامه تاریخی و پیشینه فرهنگی ما خیلی از تولید می‌شوند و متأسفانه کسانی که ما داریم چه کسانی هستند، خیلی از این آثار خوشحال هستند. اینها چه نسبتی دارند؟ بالاخره سینما وسوه مختلفی دارد و یک وجهش خراس است. چه نسبتی میان این تاریخ فرهنگی و چنین آثار هست؟ شما در حوزه سینمای کمدی جواب دهید اما می‌خواهم بگویم در بخش‌های دیگر آثارمان هم چند سالی است روند توئیتی را می‌بینم.

به نظر شما چیراسینمای کمدی به این نقطه رسید؟ چه اتفاقی افتاد؟ پیش از انقلاب کاراکتر داریم اما پس از انقلاب سینمای کمدی ما یک سبیر دارد و نمونه‌های شاخصی هم داریم. هم در سینمای طنز و هم کمدی. از کارهای

چون درباره نوع رفتاری که ساواک داشته تحریرات غربی می‌نوشتند اما وقتی شما چنین روایتی ارائه می‌کنید، طبیعتاً نیستند، قصصاتی را درباره یک کشور از تاریخ

می‌کند که با واقعیت در تضادش جدی می‌شود و او تصور دیگری از آن نقطه زمانی پیدا می‌کند. بعد می‌گفت چون یک تصویر دیگر پیدا کرد، به جایی که یک جنایت بزرگ اتفاق افتاده، شماری انتحانی می‌دهد.

امیران: طنز یا کمدی نقد اجتماعی است. تبخی است که دست یک نفر است و درحال کالیبد شکافی است. می‌تواند خیلی از مسائل و معصیت‌ها را نشان کند و طرف‌فرد باشد. در همان سینمای آمریکا یک هم‌کارم‌ت‌مسم را با سلیقه کمدی نقد کردند و این تفکر را یادداشت کردند که به همه نهامت می‌زد. آیا در سینمای ما این اتفاق افتاده؟ ما متأسفانه این تفکر را نداریم. تفکری که فیلم «مارمولک» را توقیف می‌کند، ۲۰ و چند سال بعد در سینمای جمهوری اسلامی پخش می‌کند. آدم بویی، هم همین‌طور بود. «لیلی با من است» وقتی ساخته شد، چقدر حمله کردند که شما ادافع مقدس را مسخره می‌کنید اما الان پدر آن را ساخته می‌شود. تازه لیلی با من است رفت داشت. حرف داشت. نگاه داشت. متأسفانه این سلیقه‌هاست که حاکم است وگزیه براساس منطق و اصول نیست، شما اگر به سازمان تشریف ببرید، اصلاً چیزی ندارند که به شما نشان دهند.

سطح سلیقه مسال ۲۰ سال پیش با الان خیلی فرق دارد و قبلاً خیلی بالا بود.
امیران: اتفاقاً به نظر من باسوادتر بود.

خوبی‌های سینما به ما این را می‌گوید.
امیران: این فاجعه است که سیرال «امام علی (ع)» را نمی‌تواند کامل پخش کنند. دیگر از این بهتر مثال بزنم. قسمت اولشان را عمارا بترنانتد پخش کنند. مختارشان را همین‌طور. یکسری حرف‌هاست. یکی از تشکل‌های دانشجویی یکی از صحبت‌های رهبر انقلاب را رپورت گرفتند. اتفاقاً در صحبت‌های ایشان اسم‌شان آن پایین بنویسد. علیه این تشکل دانشجویی اعمال جرم شده. آن قاضی فکر کرده‌اند آن تشکل هستند. اینها فرزند گفتند صحبت‌های اقاقت، رهبر انقلاب «مال ما نیست، بیست و یک نفر چقدر آتش شور است و اینها تصمیم‌گیرنده هستند. شما آن وقت رفعت قزاق دارید فیلم‌های کمدی ما سیخف نشوند؟» من صحبت‌های اقاقت را قبول دارم بود فیلم‌های فان وجود داشته باشند اما درکارشان باید فیلم‌هایی هم باشند که تفکر را زنگیز باشند.

مهدی‌نژاد: الان که نگاه می‌کنم می‌بینم این مساله مسیری در سینمای سالی‌های اسامی تر است. ما در ادبیات با طرافت‌هایی ممکن است بتوانیم دروین، مثلاً من مجموعه‌ای داشتم که معرفی یکسری کتاب فرضی بود. درواقع نقد فضای کتاب در قالب معرفی کتاب بود. مثلاً کتاب معرفی کرد که شاعرش اسمش نسنن هارست بود. گفتند این اسم باید عوض شود. من گذاشتم رویا پاره‌خواب. می‌گویم کپورم که منظور را رساندم. حالا از رویا به اسم فرضی می‌گذاریم. اینکه می‌خواهید یک آدم بد را نشان دهید اما این آدم هیچ فکر نمی‌دارد. از کجا بفهمیم این آدم بد است؟؟ در نمایش از یک بازیگر گرفتار و چیزهای ناگه‌شان دهم این آدم بد است. به‌هرحال این یک تائضی است. ضمن اینکه میوه‌های تلوزیون کم چیز است، در سینما یا پانفرم‌ها چیز دیگر، اگر مساله عفت عمومی است، ملاک در همه‌جا باید یک چیز اسامی باشد. پانفرم‌ها باید پوشش، رفتارها، سبگار کشیدن و می‌سوزد یا از قصد نشان دادن این کار را می‌کنند. دارند قافعه می‌فرینند و این دارد اتفاق می‌افتد.

شما با دلیلی که داوود پرشرد، موافق هستید؟
امید مهدی‌نژاد: بله. مسیری هم قطعاً یکی از دلایل است. اصولاً جایی که من در این ۲۰ سال‌ها بوده‌ هست، همیشه این مساله را داشتیم و درواقع این‌ها گفت بد شده. یکم‌خور سینوسی را طی می‌کنند که گاهی با تتر می‌توانیم بهتر می‌شود. من خودم حدود بیست و دو ماه پیش مجموعه شعر منتشر کردم که البته قرار بود ارسال منتشر شود و به نمایشگاه برسد و کتاب هرکدام ۲۰۰ چندموزم باشد. این نوع طنز طنزها در واقع ساخته می‌شود. از آن‌ا نظر به شرایط اجتماعی هم پسنگی دارد. در دهه ۶۰ اصولاً یک فضای جدی حکم بود که طنزها هم جدی بودند. انکار فیلساز فکر می‌کرد اگر می‌خواهد طنز هم بسازد، باید در آن حرف و پیام و نقدی باشد. حتی می‌شود گفت این فضای الان بتدریج اعلام شکستگی از جدیت است که ادامه دارد. همه اینها قابل بررسی هستند. بررسی مودی آن در سینمای ایران شاید باز کار من نباشد.

ما تلاد در سینما فیلم‌های مثل «مرد عوزی» و «مویابی» ها را داریم.
داود امیریان: «بلی» آدمی هم هست.

بله، در کارهای تلوزیون هم به همین ترتیب است. کار «کاتسوس» و «کاتسوس ۲» و «بایه باید پیاورد» مثلاً آن «کاتسوس ۳» را اسم نمی‌روم. چون من اشتباهی برای آن داشتم.

مهرمن داسی: که به اصطلاح فراهم می‌کرد. حتی یک دوبای کارهای اولیه مهرمن داسی را به یاد دارم. به نظر من اینها در واقع یک طنز نویس سینما که تلوزیون هم بین همین‌طور دارای روند توئیتی شده است. اما وقتی شما یک تجربه می‌کنید یک‌یک مسیر آمده مثلاً یا در سیر مستقیم بروید یا فیثباتن ملاز باشد یا سمت بالا باشد. نه اینکه بگروید. چه رخ داده که اتفاقی می‌افتد. مثلاً شما ممکن است در داسیج من بگروید در کتاب‌ها و روان‌های کمدی هم همین وضع داریم. چون است چنین استادی یکد، ممکن است کارهای تخصص‌ش در جاهای دیگر هم خودشان را نشان می‌دهند؟ یا فقط در سینما ضحک‌تون را نشان می‌دهد؟

داود امیریان: تعریف طنز چه می‌تواند باشد؟ عدم تناسب در متناسبات. ما یک زمان سبید را کانی دار داریم که نقد زاهدان را می‌کنند که حتی می‌آیند اما سینما یا یک برگ کاغذ شروع می‌کنند و فیلمنامه شخصی می‌دانند. گفتند این داستان است. تازه داستانی که تا آن هم مشخص نیست، برویم جلو، ان‌شاء الله از آن چیز خوبی درمی‌آید.

موقعیت دراماتیکش هم معلوم نیست.
داود امیریان: بله. این چند بازیگر خوب هستند که اینها دچار خراب می‌شوند، یعنی برای اینها هم حتی ایده خوبی نیست.

یک زمانی این نوع از فیلم‌ها و سینما در کشور با شناسنامه محدود تاریخی به وجود می‌آید، اما خیلی دروش نمی‌آید اما این آثار با شناسنامه تاریخی و پیشینه فرهنگی ما خیلی از تولید می‌شوند و متأسفانه کسانی که ما داریم چه کسانی هستند، خیلی از این آثار خوشحال هستند. اینها چه نسبتی دارند؟ بالاخره سینما وسوه مختلفی دارد و یک وجهش خراس است. چه نسبتی میان این تاریخ فرهنگی و چنین آثار هست؟ شما در حوزه سینمای کمدی جواب دهید اما می‌خواهم بگویم در بخش‌های دیگر آثارمان هم چند سالی است روند توئیتی را می‌بینم.

به نظر شما چیراسینمای کمدی به این نقطه رسید؟ چه اتفاقی افتاد؟ پیش از انقلاب کاراکتر داریم اما پس از انقلاب سینمای کمدی ما یک سبیر دارد و نمونه‌های شاخصی هم داریم. هم در سینمای طنز و هم کمدی. از کارهای

چون درباره نوع رفتاری که ساواک داشته تحریرات غربی می‌نوشتند اما وقتی شما چنین روایتی ارائه می‌کنید، طبیعتاً نیستند، قصصاتی را درباره یک کشور از تاریخ زمانی پیدا می‌کند. بعد می‌گفت چون یک تصویر دیگر پیدا کرد، به جایی که یک جنایت بزرگ اتفاق افتاده، شماری انتحانی می‌دهد.

امیران: طنز یا کمدی نقد اجتماعی است. تبخی است که دست یک نفر است و درحال کالیبد شکافی است. می‌تواند خیلی از مسائل و معصیت‌ها را نشان کند و طرف‌فرد باشد. در همان سینمای آمریکا یک هم‌کارم‌ت‌مسم را با سلیقه کمدی نقد کردند و